یادداشت

انتخابات و وعده پرداخت یارانه از سفره مردم

محمد ابراهیمی
کارشناس صنایع پایین‌دستی نفت

● از آغاز اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها بیش از شش سال می‌گذرد که حدود چهار سال از این طرح را دولت حسن روحانی اجرا کرد و حدود دو سال آن از سوی مبدع طرح، عملیاتی شد. طرحی که قرار بود منجر به تحول بزرگ اقتصادی در کشور شود، در گام اول گریبان دولت محمود احمدی‌نژاد را گرفت. آنجا که دولت متبوعش آن‌قدر در تأمین منابع نقدی یارانه‌ها عاجز شد که به موجودی نقدی بانک‌ها نزد بانک مرکزی متوسل شد. اما این تمام مشکل نبود و تأخیرهای مکرر دولت در پرداخت یارانه‌ها نشان داد که ایرادی در کار است، ایرادی از جنس کمبود منابع.

با این حال دولت حسن روحانی که به‌خوبی بر کمبود منابع نقدی -عدم کفایت «خالص» درآمدهای ناشی از افزایش قیمت حامل‌های انرژی- برای پرداخت یارانه‌ها و تبعات منفی گسترش این مدل از یارانه مشرف بود، تلاش کرد با تبیین جایگاه یارانه نقدی در برنامه‌هایش اقداماتی انجام دهد تا روح قانون هدفمندی را که احتمالا ناظر به حمایت از اقشار کم‌درآمد بود، به جمعیت یارانه‌بگیر القا کند. اما این تلاش دولت ناکام ماند و حتی سیاست‌های تشویقی و تنبیهی در نظر گرفته‌شده نیز مؤثر نیفتاد و در مرحله اول بیش از ۷۰ میلیون ایرانی متقاضی دریافت یارانه نقدی شدند و پس از آن نیز هفت میلیون نفر دیگر به جمع متقاضیان اضافه شدند تا دولت حسن روحانی بماند و ۷۷ میلیون یارانه‌بگیر.میراث دولت دهم برای دولت یازدهم به ادعای وزرای کابینه حسن روحانی چیزی نبود به‌جز مصیبت عظما و عذاب الیم. این دولت که با توجه به فضای مطالبه‌گر جامعه درخصوص یارانه نقدی راهی به‌جز پرداخت این مدل از یارانه نداشت، با مشقت بسیار منابع یارانه نقدی را تأمین کرد تا خللی به این خواست عمومی جامعه وارد نشود. اما حکایت انتخابات و برنامه‌های برخی از نامزدها غم‌انگیزتر از شنیدن دغدغه‌های دولت دهم و یازدهم بود. با فرارسیدن دوره تبلیغات دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری «برخی» از نامزدها که از عطش اغلب ایرانیان برای دریافت پول نقد -چه در قالب یارانه نقدی و چه تحت سایر عناوین- مطلع بودند، تمام توان خود را برای تحریک مجدد این نیاز مردم به کار بستند و با وعده‌هایی که به اذعان اغلب کارشناسان غیرمنطقی به‌نظر می‌رسد، سعی کردند فقدان برنامه عملیاتی خود برای اداره کشور را به سوی مطالبه یارانه بیشتر از دولت منحرف کنند.

تحقق وعده برقراری عدالت اجتماعی، رفع تبعیض و اختلاف طبقاتی و برخی شعائر عامه‌پسند دیگر در میان این دسته از نامزدها نه از راه جذب سرمایه و سایر روش‌های عقلایی، که از راه توزیع یارانه نقدی‌ای می‌گذرد که بخش عمده‌ای از آن در منابع نفت و گاز کشور نهفته است. جایی که بنا بر آمار موجود؛ در سال ۱۳۹۵ ماهانه مبلغ سه‌هزارو ۴۰۰ میلیارد تومان بابت این امر پرداخت شده که شرکت ملی پالایش و پخش به‌تنهایی ۶۶ درصد منابع نقدی یارانه‌ها را از محل فروش انواع بنزین، نفت‌گاز، نفت‌کوره، نفت‌سفید، گاز مایع و انواع سوخت‌های هوایی تأمین کرد و شرکت ملی گاز ایران نیز ۲۸ درصد دیگر از منابع موردنیاز دولت را از محل بهای گاز طبیعی خانگی، تجاری و صنعتی و CNG پرداخت کرد. نگاهی گذرا به سهم ۹۴درصدی وزارت نفت در تأمین منابع یارانه‌های نقدی خانوارها و معضلات پیش‌روی دولت قبلی و دولت مستقر نشان می‌دهد که تاکنون صنعت نفت و گاز مهم‌ترین منبع تأمین یارانه نقدی بوده بنابراین در صورت اینکه هر کدام از نامزدها مدعی پرداخت یارانه بیشتر تحت هر عنوان نظیر افزایش سه‌برابری یارانه دهک‌های پایین، پرداخت ۲۵۰ هزار تومان حق بی‌کاری (حق کارانه) و اعانه‌هایی از این دست هستند، باید تجدیدنظر اساسی در قیمت حامل‌های انرژی داشته باشند چراکه عایدی فعلی فروش فراورده‌های نفتی و گاز -به‌جز سهم مالیات و سایر عوارض قانونی- کفاف این حاتم‌بخشی‌ها را نمی‌دهد. همین عدم کفایت درآمد دولت و منابع آن موضوعی است که مغفول مانده و برنامه روشنی برای آن ارائه نمی‌شود اما کیست که نداند ایجاد هر تعهدی مستلزم پیش‌بینی منابع آن است. چه‌بسا در صورت پیروزی هر یک از دیدگاه‌های حامی توزیع یارانه نقدی شاهد افزایش یکباره قیمت حامل‌های انرژی به اندازه‌ای باشیم که کسری تراز هدفمندی از بابت تعهدات انتخاباتی را جبران کند.

به‌هر حال آنچه واضح است اینکه؛ مدل امروزی پرداخت یارانه با درآمدهای فعلی دولت نمی‌تواند مستمر باشد و نامزدهای معتقد به توزیع نقدی پول یا باید قید عمل به وعده‌های انتخاباتی خود را بزنند یا منابعی برای پرداخت یارانه‌های بیشتر بیابند که افزایش قیمت حامل‌های انرژی نظیر قیمت گاز، بنزین، نفت‌گاز و... یکی از محتمل‌ترین انتخاب‌های مدنظر ایشان خواهد بود. بدیهی است افزایش قیمت حامل‌های انرژی به‌طور مستقیم اثر خود را بر قیمت در بخش‌های تولیدی و خدماتی خواهد گذاشت و در کنار تزریق پول به اقتصاد کشور منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود و طبعا اقشار کم‌درآمد که ظاهرا مخاطب این وعده‌های وسوسه‌برانگیز هستند، بیشترین تأثیر را از بالارفتن هزینه‌ها می‌پذیرند و منابع یارانه نقدی از سفره‌شان پرداخت می‌شود.

معادن بزرگ در قبضه شبه‌دولتی‌ها

ادامه از صفحه۵

قطعا در حادثه‌ای که اتفاق افتاد، طبق اظهاراتی که تاکنون وجود دارد، خطای انسانی عامل اصلی بوده است. همین اتفاق را در ترکیه و آمریکا و چین در معادن زغال‌سنگ هم داشتیم. در چین، حجم تولید بالاست و این اتفاقات زیاد رخ می‌دهد. این اتفاقات باید درس عبرتی باشد که حوادثی از این دست به حداقل برسد. نباید فراموش کنیم نوسازی اینها می‌تواند بسیار مؤثر باشد. ۲.۵ میلیون تُن سالانه به زغال نیاز داریم. اگر طرح توسعه در ذوب‌آهن که در حال انجام است، موفق باشد، برای طرح ۵۵ میلیون تُن فولاد، باید ظرفیت‌مان را بالا ببریم و قطعا نیازمند هستیم که خرید زغال را افزایش دهیم. پس باید شرایطی را ایجاد کنیم که معادن موجود ما بتواند پاسخ‌گوی مصرف ما باشد. اینجاست که می‌گوییم باید شرایط ویژه‌ای را داشته باشیم. وقتی می‌خواهیم خوراک کوره بلند را داشته باشیم، حتما زغال بیشتری نیاز داریم و باید برنامه‌ریزی کرده و معادن را نوسازی کنیم. اینجاست که دولت می‌تواند کمک کند. یکی از کمک‌ها هم‌زمان نوسازی و تجهیز وسایل ایمنی و آموزش‌های لازم است. ایمیدرو می‌تواند نقش بزرگی در آموزش داشته باشد؛ ولی به این مفهوم نیست که ما آموزش ندیده و نداده‌ایم. سهامداران این شرکت، خودشان از کسانی بودند که می‌توانم بگویم سردمدار کار فولاد کشور هستند و اطلاعات کافی را در بخش مسائل فنی و ... دارند؛ یعنی بدنه بخش زغال کشور ما سهامداران این شرکت هستند. بخشی از این سهامداران از مجموعه‌ای در کشور هستند که بدنه قوی در کار بهره‌برداری از معادن زغال‌سنگ و زیرزمینی دارد.

منظورتان کدام سهامداران هستند؟

نمونه‌اش تکادو (شرکت مجتمع صنایع و معادت احیای سپاهان) یا بازنشسته‌های البرز شرقی. آنها بازنشستگان شرکت‌های سرب و روی هستند و بچه‌های معدنی کشور هستند. سهم عمده‌ای هم برای صندوق مهر ایرانیان است. نگین طبس هم بچه‌های معدنی کشور هستند. این اتفاق افتاده و می‌توانم بگویم منابع نیروی انسانی به این راحتی جبران‌شدنی نیست. امروز منابع نیروی انسانی از بین رفته‌اند. چه راهکاری باید داشته باشیم. نسخه تعطیل‌کردن معدن، اشتباه بزرگی است که مرتکب می‌شویم. باید ببینیم چه کنیم این بخش را دوباره فعال کنیم که به کارش ادامه دهد. حدود ۲۸۰ نفر نیروی انسانی آنجا فعال هستند. آنجا ۱۱ دهانه تونل داشتیم که این اتفاق در یکی از آنها رخ داده است. حال باید چه کنیم که با تجهیزات و شرایط نو، الگویی شویم برای آینده که در معادن زغال‌سنگ‌مان همین مسائل را نداشته باشیم. فراموش نکنیم در دو سال گذشته در معادن زغال‌سنگ‌مان متأسفانه حادثه داشته‌ایم. تجهیزات کهنه و عمدتا فرسوده است. طبق اعلامی که داشتند، در همین معدن، چهار دستگاه اخطاردهنده داشتند. این معدن جزء معادنی بوده که نمره منفی نداشته.

پس قضیه محکومیت پیمانکاران این معدن چه بوده؟

من ماجرای محکومیت را نمی‌دانم؛ اما این معدن جزء یکی از معادن زغالی بوده که می‌گفتند تولید گاز ندارد؛ یعنی به اندازه‌ای نبود که دائما موانع داشته باشد. ظاهرا به رگه‌ای برخورد کرده بودند که تولید گاز کرده و متوجه نشده‌اند. اینکه دستگاه‌های اخطاردهنده مشکل داشته یا انباشت گاز بوده، مهم‌ترین فاکتور خطای انسانی بوده است.

گفته می‌شود چند بار در این معدن، اخطار ایمنی داده بودند که توجهی نکرده‌اند.

اطلاعی در این زمینه ندارم. قانون به ما اجازه می‌دهد تمام آن وظایف را به‌طور مطلوب انجام دهیم. ما خودمان طرح می‌دهیم؛ اما کارفرماست که باید این وظایف را انجام دهد.

کارفرمای معدن سهامداران بودند؟ چه کسی کارفرمای اصلی این معدن بوده؟

سهامداران مالک معدن هستند. چون اینجا به‌صورت تفکیک بوده، حتما از بین خودشان کسانی را به‌عنوان مدیران هیئت‌مدیره تعیین کرده‌اند. اعضای هیئت‌مدیره قطعا مدیرعاملی را به‌عنوان مسئول اجرائی انتخاب کرده‌اند. هیئت‌مدیره است که همیشه پاسخ‌گوی فعالیت‌های ماست. درست است که پروانه بهره‌برداری به نام شرکت است؛ اما به نام شرکتی است که ترکیب سهام‌دار دارد که نمایندگانشان در آنجا حضور دارند و مسائل را دنبال می‌کنند و بر اساس آن موارد، قطعا آموزش، تجهیزات و سرمایه‌گذاری، نیاز کارگری و رفاهی، مسئولیت صددرصد کارفرمایان است که باید آنها را انجام دهند. علاوه بر بیمه‌های معمول برای کارگران، بیمه‌های مسئولیت محدود هم رد می‌کنند؛ چون همیشه با حادثه روبه‌رو هستیم.

جز صندوق مهر ایرانیان که متعلق به شبه‌دولتی‌هاست، شبه‌دولتی یا بخش عمومی دیگری هم در این معدن حضور دارد؟

خیر، تکاتو، مهر ایرانیان و نگین طبس از بخش خصوصی در بین سهامداران حضور دارند. تکاتو زیرمجموعه شرکت‌های ذوب‌آهن است. نگین طبس هم بخشی از فعالان معادن زغال‌سنگ در طبس هستند. بازنشستگان زغال‌سنگ البرز شرقی هم هستند که خودشان بازنشستگانی بودند که سهام اینجا را خریده و به دلیل تجربه‌ای که دارند، در آن حضور یافته‌اند. خوشبختانه در ترکیب سهامداران اینجا این تخصص وجود دارد.

گفته می‌شود سه نفر از هفت نفر هیئت مدیره از صندوق مهر ایرانیان هستند. درست است؟

بله، درست است.

آیا ترکیبی وجود دارد که نشان دهد چند درصد از معادن در دست بخش خصوصی، دولت یا شبه‌دولتی‌هاست؟

می‌توانم از نظر تعدادی بگویم بیش از ۹۵ درصد معادن در اختیار بخش خصوصی است.

بخش خصوصی واقعی؟

از نظر تعدادی و کمیتی می‌گویم. از نظر بحث میزان تولید و نقش‌شان در تولید، نمی‌گویم. می‌توانم بگویم بیش از ۹۵ درصد و شاید ۹۷ درصد در اختیار بخش خصوصی است. شاید ترکیب خصوصی‌های واقعی ۹۰ درصد باشد. معادن کوچک بدون استثنا، فرضا در سنگ‌های ساختمانی، تقریبا صددرصد در اختیار بخش خصوصی است.

با این حساب، شش، هفت درصد شبه‌دولتی‌ها هستند؟

اگر درصدی حساب کنیم، می‌توانم بگویم بیشتر از آن نیست.

بیشتر واگذاری‌های معادن در کدام دولت اتفاق افتاده؟

در برنامه سوم استارت واگذاری‌ها زده شد. در دولت آقای هاشمی استارت واقعی خورد و بخش عمده‌ای از آن زمان شروع شد و در زمان آقای خاتمی ادامه پیدا کرد. پس از آن دیگر اتفاق خاصی نیفتاد.

یعنی در دولت‌های اخیر نبوده؟

دیگر واگذاری به آن مفهوم نداشتیم. دولت نهم و دهم بحثی در زمینه واگذاری‌ها نداشت؛ چون همان انتقالات که انجام شده بود، فعالیت‌های خود را انجام می‌داد. در دولت یازدهم مبنا، تشخیص سرمایه‌گذاری‌های جدید بود و مسائلی مانند کنسرسیوم المهدی مطرح شد؛ این معدن یک معدن بزرگ محسوب می‌شود که قرار بود به بخش خصوصی واقعی بدهند. این اتفاق در دولت یازدهم افتاد و می‌توانم بگویم یک افتخار است؛ یعنی حرکتی بود که نیازمند بودیم در بدنه جامعه ما چنین اتفاقی بیفتد و بتوانیم از بدنه بخش خصوصی واقعی کشور استفاده کنیم و آن ایجاد کنسرسیوم‌هاست. در واقع تشویق کنسرسیوم‌ها در جهت گرفتن فعالیت‌های بزرگ، بسیار اهمیت دارد. همین کنسرسیوم‌ها را اگر شکل دهیم، می‌توانیم معادن بزرگی مانند سنگان را که امروز در اختیار دولت است، به بخش خصوصی واقعی واگذار کنیم. این اشتباه بزرگی است که نگاهمان را روی خصولتی‌ها متمرکز کنیم.

معادن قبلی ما در دست این شش، هفت درصد است؟

شبه‌دولتی‌ها معمولا در معادن بزرگ هستند. اگر ۴۰۰میلیون تن، کل تولید را در نظر بگیریم، می‌توانیم بگوییم ۲۵ درصد کل تولید کشور در حوزه معادن در اختیار همین مجموعه‌ها است. بقیه در اختیار بخش خصوصی واقعی هستند.

صحبت از این بود که بیمه کارگران، بیمه آرایشگری در نظر گرفته شده بود. این صحت دارد؟

نمی‌توانم بپذیرم، چون در فعالیت‌های مدنی، همیشه محکم‌ترین بیمه‌ها را در قبال کارگرانمان داریم. ما با نگاه بخش خصوصی واقعی این بحث را داریم. امکان ندارد هیچ فعال معدنی بدون بیمه، اجازه ورود به کار داشته باشد. این نگاهی است که کارفرمایان بخش خصوصی برای خودشان وظیفه‌ای قانونی در نظر می‌گیرند.

ممکن است تخلف شده باشد؟

اگر هم موردی انجام شده، تخلفی است که از سوی کارفرما بوده. دولت در این مسائل اصلا نظارت نمی‌کند. چطور می‌تواند بیمه‌ها و این مسائل را کنترل کند؟ بیمه یکی از وظایف اولیه است. شاید سازمان‌های دیگر نقشی را در این مسائل داشته باشند. من نمی‌توانم بپذیرم، به این دلیل که می‌گویم شاید این اتفاق نیفتاده باشد. حتی آماری را دارم که اینها بیمه‌هایشان به صورت کامل هم پرداخت شده است. در فهرست بیمه این معدن، ۲۷۹ نفر بیمه‌شده بود، علاوه بر آنکه بیمه‌های تکمیلی هم دارند.

سخت و زیان‌آوربودنش مسئله است...

ما به صورت اتوماتیک سخت و زیان‌آور هستیم؛ یعنی فهرست‌های تمام معادن بدون استثنا به صورت سخت و زیان‌آور رد می‌شود. اگر اتفاق دیگری افتاده باشد ممکن است نظارت‌های لازم از سوی سازمان‌های بیمه‌ای نشده، ولی من اعتقاد دارم که حتما شده. این قانون از سال ۸۰ در دولت هشتم شروع شد و همه‌مان واحدهایمان را به صورت سخت و زیان‌آور بیمه کردیم.

این قاعده است، اما خارج از این قاعده چه اتفاقاتی می‌افتد؟

اصلا «باید» است. فهرستی که ما رد می‌کنیم سخت‌وزیان‌آور است و نماینده‌ای که از بیمه بازدید می‌کند باید به‌عنوان سخت و زیان‌آور آن را بررسی کند و نمی‌تواند نبیند. امروز نباید دنبال شناخت مقصر بگردیم. قطعا مقصر شناسایی خواهد شد. امروز باید مرهمی را برای تمام خانواده‌هایی که جوانانشان را از دست داده‌اند داشته باشیم. چه راهکارهایی را برای حمایت از این افراد خواهیم داشت؟ چه سازمان‌هایی می‌توانند درحال‌حاضر به این مجموعه کمک کنند؟ اگر مقصر را امروز بخواهیم دار بزنیم، فردا می‌خواهیم این ۲۸۰ نفر را که آنجا زندگی و کار می‌کنند چه کنیم؟ آیا مادام‌العمر بیمه بی‌کاری خواهیم داد؟ خیر. قطعا درست نیست. پس باید هم یک برنامه‌ریزی فکری برای کسانی که امروز آسیب واقعی متحمل شده‌اند داشته باشیم و هم با طراحی کاملا جدید و با هدف، این معدن را مجددا راه‌اندازی کنیم و برهمین‌اساس بتوانیم امید را به آن منطقه برگردانیم. در آن منطقه این معدن تنها فعالیت اقتصادی است. نباید آن معدن را امروز که این اتفاق افتاده فراموش کنیم. بسته‌بودن معادن زغال‌سنگ، عوارض منفی و ناگواری دارد. گازی که در آنجا وجود دارد قطعا می‌تواند آنجا تجمیع شده و مشکلات و تخریب‌هایی را در آینده داشته باشد.

کارگران که اعلام کرده‌اند چند ماه حقوق معوقه داشته‌اند و حقوق پایینی دارند. آیا نظارتی بر حقوق این افراد وجود ندارد؟

اینها مبادی و مسائل داخلی آنهاست و به مدیریت آنها برمی‌گردد. نمی‌دانیم واقعا چنین اتفاقی صحت دارد یا نه، اما اگر درست باشد قطعا عادلانه نیست. به‌عنوان مطلع عرض می‌کنم، به دلیل اینکه گردش نقدینگی در معادن زغال‌سنگ با مشکلات زیادی روبه‌رو شده بود، بعضی واحدهای زغال‌سنگ در کشور دچار فشار زیاد در دو سال گذشته بودند. چون عملا در پنج سال گذشته خیلی‌هایشان به تعطیلی رسیده بودند و نمی‌توانستند فعالیت کنند چون قیمت خیلی پایین بود. شاهد بودم بعضی معادن با تأخیر به پرداخت‌هایشان اقدام می‌کردند، اما این‌طور نبود که کارفرمایان نخواهند انجام دهند و مطمئنا چنین مشکلاتی داشتند. بررسی خواهیم کرد که آیا این مشکلات برایشان تعیین‌کننده بوده یا مسائل دیگری در کار بوده است.

آیا پرونده‌هایی در رابطه با معادن در دادگاه وجود دارد؟

معمولا بله. در شوراهای حل اختلاف، پرونده‌هایی وجود دارد که دعواهای حقوقی دارند. بعضی پرونده‌ها به دلیل دخالت‌های محلی و شکایت محیط‌زیست و منابع طبیعی وجود دارند. بعضی‌وقت‌ها بین سهام‌داران، دعواهای حقوقی است و این پرونده‌ها به دادگاه می‌رود، اما بعضی پرونده‌ها هستند که دولت علیه آنها ممکن است جلو برود؛ صرفا به دلیل اینکه به تعهداتشان طبق قانون عمل نکرده‌اند، فرضا حقوق دولتی‌شان را نداده‌اند، اما در مورد معادن زغال‌سنگ، سال گذشته اخطار داده بودم که به سبب فرسوده‌بودن تجهیزات، ممکن است دچار حادثه شوند. سال گذشته گفته بودم گزارش‌ها حاکی از آن است که اکثریت تجهیزات و ماشین‌آلات به‌کاررفته در معادن زغال کشور فرسوده و قدیمی هستند و کاربرد خود را از دست داده‌اند. از سویی دیگر تجهیزات ایمنی معادن زغال نظیر دستگاه‌های هشداردهنده گازهای خطرناک، سیستم‌های ضدجرقه، تهویه مطلوب و امکانات مربوط به نگهداری از سقف و دیواره‌های معادن به‌شدت ناکارا هستند و هر لحظه بیم آن می‌رود که با انفجاری مهیب یا ریزش سقف و دیواره‌ها، عده‌ای از کارکنان معدن در این انفجارها بسوزند و زیر ده‌ها تن سنگ و خاک قرار گیرند. این گزارش را همان زمان برای وزارت صنعت فرستادیم و منتظریم ببینیم تا چه اندازه نسبت به ایمنی معادن زغال‌سنگ اقدام می‌شود. از سویی ۶۵ درصد حقوق دولتی که بهره‌برداران معدنی به خزانه واریز می‌کنند طبق برآوردها براساس میزان تولید سالانه، بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد تومان است که باید طبق قانون معادن، در اختیار متولی بخش معدن قرار گیرد تا برای نوسازی، ایجاد زیرساخت‌ها و توسعه معادن به کار گرفته شود، اما متأسفانه تاکنون چنین نشده و به همین دلیل متولی هم نمی‌تواند به تعهدات خود در این زمینه عمل کند.

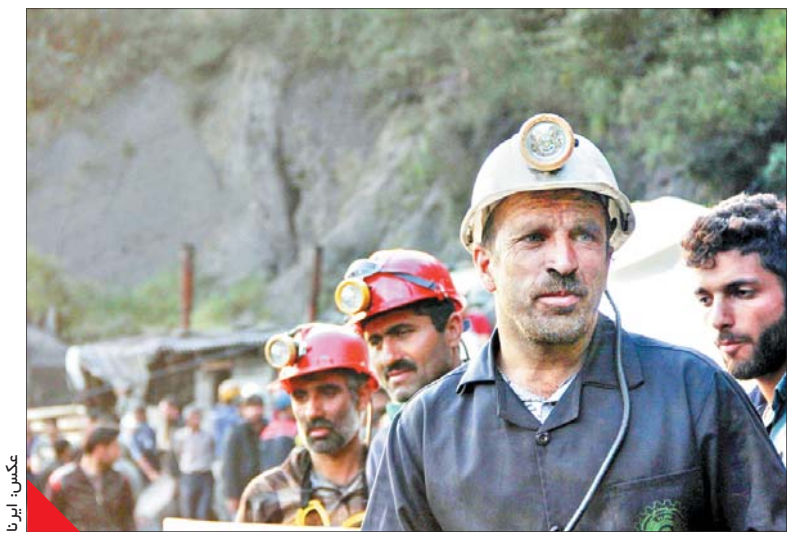

عکس: ایرنا

دیدگاه

یادمان نرود

محمدرضا عبدالرحیمی*

● صنعت هواپیمایی کشور هزینه‌های زیادی برای مشارکت در اجرائی‌شدن سیاست‌های استقلال‌خواهی و نفی نظام سلطه در سی‌وچند سال گذشته متحمل شده بود. بار سنگین استمرار عملیات حمل‌ونقل هوایی با رعایت الزامات و استانداردهای ایمنی و امنیت در کشور، بر دوش متخصصان، تکنسین‌ها و خلبانان ماهر و توانمند کشور بوده است. یقینا در صورت فراخی میدان فعالیت، استعدادها شکوفا می‌شوند و در احیا و ساخت صنعت هوایی کشور نقش‌آفرینی می‌کنند و حتی در سطح جهانی نیز برای بهبود و توسعه ابعاد مختلف هواپیمایی کشوری مشارکت خواهند کرد. شهروندانی که در صدر همگان شرایط و کاستی‌ها را متحمل شده‌اند، بی‌تردید شایسته بهترین‌ها هستند و درحالی‌که در همه اطراف دنیا قدرت سخت و سلطه‌گری جای خود را به قدرت نرم داده بود، در کشور ما نیز صنعت هوانوردی و اهالی آن به امید تدبیر در انتظار نشسته بودند و نیازمند نگاهی نو برای احیای خود و ایفای نقش مؤثر در شکوفایی همه‌جانبه کشور و تقویت قدرت نرم ملی از طریق تقویت صنعت هوانوردی بودند. توجه به مباحث توسعه‌ای این صنعت با ابتنای صرف به سهم کمی حمل‌ونقل هوایی از میزان کل حمل‌ونقل بدون توجه به ارزش افزوده‌های کلان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این صنعت، جفای بزرگی به توسعه ملی بود که به‌درستی از سوی دکتر روحانی درک شد، هنوز در نیمه راه هستیم و با استمرار گفتمان تدبیر و امید این راه را تا جایگاه شایسته ایران و ایرانیان ادامه خواهیم داد. حمل‌ونقل هوایی کشورها با کم‌کردن فاصله‌ها، شهروندان، فرهنگ‌ها، شرکت‌ها، ایده‌ها، نوآوری‌ها و فرصت‌ها را به هم وصل می‌کند و موجبات نزدیکی، شناخت و تعامل بیشتر را فراهم می‌کند. دسترسی و ارتباط سریع امروز در کنار استعدادها، فضای کسب‌وکار مطلوب و کیفیت زندگی از عناصر اصلی جذابیت اقتصادی و جزء حیاتی صنایع مدرن برای جابه‌جایی سریع کالاهای ارزشمند، ایجاد و نفوذ در بازارهای جهانی و حمایت از ورود و جذب سرمایه‌های خارجی محسوب می‌شود. توجه دولت تدبیر و امید به توسعه صنعت هوانوردی کشور منبعث از عقلانیت و درک صحیح و کلان از نظام توسعه جهانی است؛ این راه استمرار می‌طلبد.

*کارشناس ارشد صنعت هوایی

JEON
Since 1960

The Roof

خاص باشید... فضایی متفاوت...

پاسداران، نبش بهستان هشتم، ساختمان آبتین، طبقه ۷
۲۲۷۹۱۲۱۹
۲۲۷۹۱۲۷۵